

گسترش فرهنگ تعاون میان فارغ التحصیلان



مهدی ترابی مهربانی

بتواند مسئولیت زندگی خانوادگی موردنظر خویش را برعهده گرفته و از پس دغدغه های شخصی خود و خانواده اش برآید. اما متأسفانه آنچه تاکنون شاهدش بوده ایم، سرگردانی هزاران تحصیلکرده و دانشگاه رفته ای است که در سال پایانی تحصیلات خود سردرگم میان آگهی های روزنامه ها به دنبال شغلی می گردند که بتواند آندگی آسودگی خاطر برایشان به ارمغان بیاورد، غافل از آن که البته بسیار بهتر است به جای سرگردانی و به دنبال کار گشتن، خود در صف کارآفرینان قرار بگیرند.

آگاهی از این دغدغه ملی، توجه ویژه مسئولان بخش تعاون کشور را در پی داشته که از جمله مهمترین اقدامات انجام گرفته تاکنون، در اختیار قرار دادن تسهیلات با شرایط بسیار مناسب و حمایت ویژه از ایجاد کسب و کار توسط فارغ التحصیلان دانشگاهی بوده که بازخوردهای بسیاری مناسبی را در پی داشته است.

اختصاص ۴۰۰ میلیارد ریال برای ایجاد واحدهای تعاونی دانشگاهی باهدف ایجاد اشتغال برای فارغ التحصیلان دانشگاه ها و ایجاد واحدهای تعاونی دانشگاهیان، به همراه اختصاص یارانه به سود این تسهیلات و کاهش آن تا ۹ درصد، از جمله سیاستهای تشویقی و بسیار مناسب در نظر گرفته شده از سوی وزارت تعاون بود که خبر آن در ماه های ابتدایی امسال منتشر شد.

بدون شک همه آنهایی که در روز اعلام نتایج کنکور خنده بر لبهایشان نقش می بندد و نامشان را در فهرست قبول شدگان کنکور پیدا می کنند، چند سال بعد و همزمان با فارغ التحصیلی، درگیر اضطرابی به مراتب بزرگتر از دغدغه کنکور می شوند. فارغ التحصیلان به حق انتظار دارند بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی، بتوانند وارد فضای کسب و کار شده و به جمعیت شاغلان بپیوندند، در کنار این انتظار اجتماعی، نوبت آن نیز فرارسیده است تا دانشجوی سابق و فارغ التحصیل کنونی،

اضافه خواهد شد.

این دانشجویان قطعاً در نهایت موفق به اخذ مدارک گوناگون و متنوع دانشگاهی می‌گردند، اما متأسفانه یا شاید خوشبختانه، دیگر داشتن مدرک تحصیلی مساوی یافتن شغل مناسب نیست و از فارغ‌التحصیلان انتظار می‌رود برای یافتن شغل در خور و شایسته، خود را با شرایط جدید و رقابتی بازار کار وفق دهند؛ به عبارتی دیگر باید از نظر شغلی توانمند شوند.

نکته قابل توجه در این زمینه این است که اکثر دانشجویان اطلاع ندارند که دانشگاه می‌تواند به توانمندی شغلی آنها کمک کند و همین امر باعث می‌شود پس از فارغ‌التحصیلی و در آستانه ورود به بازار کار، متوجه شوند که از توانمندی مورد نیاز برای باز کردن در محکم و قفل شده اشتغال بهره‌مند نیستند، زیرا از دوران تحصیل خود نسبت به مقوله اشتغال و کسب مهارت‌های شغلی بی‌توجه بوده‌اند. (طبق آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۸۳ نرخ بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در کل کشور ۱۸ درصد است که این رقم در برخی از استان‌ها به ۳۲ درصد نیز رسیده است.) از طرف دیگر، توجه نکردن به فرصت‌ها و امکانات موجود در دانشگاه و عدم بهره‌برداری صحیح از آنها نیز باعث بروز مشکلات و مسائل فراوان و بعضاً پیچیده‌ای خواهد شد.

دانشجویان باید در طی دوران دانشجویی با توقعات کارفرمایان آشنا شوند و در جهت کسب آن مهارت‌ها اقدام کنند. اما برآستی کارفرمایان امروزی به دنبال چه مهارت‌ها و خصوصیت‌هایی در نزد کارکنان خود هستند؟ کارشناسان امر اشتغال این مهارت‌ها و ویژگی‌ها را در قالب چهار گروه کلی دسته‌بندی می‌کنند که هر یک از آنها شامل موارد کوچکتر می‌شود:

۱- مهارت‌های جمعی

۱- رهبری: قبول کردن مسئولیت و

دنیایی آشنا می‌شوند که به آنها فرصت می‌دهد به فعالیت‌های متنوعی بپردازند، آدم‌های بی‌شماری را ملاقات کنند و حس کنجکاوی خود را نسبت به موضوعات مختلف ارضا نمایند. در نتیجه دانشجویان می‌توانند از دوران دانشجویی در جهت شناخت خصوصیات شخصی، علایق و حرفه آینده خود بهره بگیرند. پر واضح است که بررسی طیف گسترده‌ای از احتمالات شغلی در دوران دانشجویی، به آنها فرصت می‌دهد تا ایده‌های مناسبی درباره شغل آینده خود به دست بیاورند. در واقع بسیاری از دانشجویان در سراسر جهان توانسته‌اند با انجام این کار، پس از فارغ‌التحصیلی به شغل دلخواه و مورد علاقه خود دست یابند.

اما متأسفانه به نظر می‌رسد دانشجویان ایرانی به ویژه در طی سال‌های ابتدایی تحصیل در دانشگاه، آنچنان در رویای دانشجوی بودن غرق شده‌اند که به هیچ وجه به اشتغال و ضرورت توجه به آن در دانشگاه فکر نمی‌کنند و به جای پرداختن به فعالیت‌های دانشجویی مفید که می‌تواند باعث تقویت مهارت‌های شغلی در آنها شود، به بیراهه می‌روند.

این در حالی است که جمعیت دانشجویی در ایران هر سال، رو به افزایش است. بر اساس برنامه چهارم توسعه و تا پایان آن، جمعیت دانشجویی کشور باید به سه میلیون و هفتصد هزار نفر برسد. یعنی باید بیش از یک میلیون نفر به جمعیت دو و نیم میلیون نفری فعلی دانشجویان افزوده شود. به طوری که معاون آموزشی وزارت علوم با توجه به این بخش از برنامه چهارم می‌گوید: در سال ۱۳۸۵ در کنکور سراسری از هر سه داوطلب یک نفر و در کل نظام آموزش عالی کشور از هر سه متقاضی دو نفر در کل دانشگاه‌های کشور پذیرفته می‌شوند. همچنین معاون امور حقوقی وزارت علوم پیشتر از افزایش ۵۰ درصدی دانشجویان در مقطع کاردانی و کارشناسی خبر داده و افزوده بود که ۱۱ درصد نیز به ظرفیت دوره کارشناسی ارشد

در کشور ما ضرورت توجه به اشتغال فارغ‌التحصیلان بیش از هر زمان دیگر به چشم می‌خورد و بررسی آمار و ارقام موجود در این زمینه می‌تواند بیانگر ضرورت تعجیل در این زمینه باشد. دانشجویان نیز باید در طول تحصیل درک کنند که کارفرمایان چه انتظاراتی از فارغ‌التحصیلان دارند در مورد این موضوع برنامه‌ریزی کنند. دانشجویان باید بیاموزند به بهترین نحو از تجربیات و فرصت‌هایی که دانشگاه ارائه می‌دهد بهره بگیرند، اعتماد به نفس کسب کنند و مطمئن شوند که پس از فارغ‌التحصیلی کار پیدا خواهند کرد.

همین مسئله موضوع توانمندسازی شغلی فارغ‌التحصیلان را که در سال‌های اخیر در کشورهای پیشرفته جهان اهمیت بسیاری یافته است و در حقیقت یک اولویت کلیدی برای آموزش عالی آن کشورها به حساب می‌آید، مطرح می‌کند. در مجموع انتظار می‌رود که فرآیند توانمندسازی در نهایت به ارتقای سطح کیفی زندگی شخصی فارغ‌التحصیلان نیز کمک کند. امروزه موفقیت در چنین فرآیندی می‌تواند کلید بازگشایی در قفل شده اشتغال در بحبوحه تغییرات سریع و غیر قابل پیش‌بینی در ساختارهای اقتصاد و اشتغال باشد. در نتیجه دولت‌ها عمدتاً به ضرورت توانمندسازی فارغ‌التحصیلان پی برده‌اند. در کشور ما نیز بیش از پیش ضرورت توجه به توانمندسازی شغلی فارغ‌التحصیلان به چشم می‌خورد.

بدون شک دانشجویان با ورود به دانشگاه، باید به آینده نگاه کنند. او در این مرحله مهم از زندگی خود می‌تواند از طرفی اوقات خوب و لذت بخشی در دانشگاه داشته باشد و از طرفی دیگر از وقت و زحمات خود بیشترین بهره را ببرد و این یعنی سرمایه‌گذاری بر روی خویشتن. دوران دانشجویی بهترین فرصت برای فهم و درک انتظاراتی است که کارفرمایان از فارغ‌التحصیلان دانشگاه دارند. در واقع دانشجویان در دوران دانشجویی با

انجام وظایف.

۱-۲ کار گروهی: به خوبی با همکاران کار کردن و داشتن رغبت در گوش دادن به حرف دیگران.

۱-۳ مهارت‌های اجتماعی: داشتن اخلاق خوب، توانایی در ایجاد ارتباط با افراد مختلف و توانایی در متقاعد کردن دیگران.

۲- مهارت‌های خودتکایی

۱-۲ خودآگاهی: مطمئن بودن از خود و توانایی‌های خود

۲-۲ درایت: داشتن توانایی در استفاده از تمهیدات شخصی و برنامه‌ریزی قبلی

۲-۳ مهارت‌های شبکه‌سازی: برقراری ارتباط موثر با دیگران به منظور کمک و همکاری متقابل.

۳- مهارت‌های عمومی

۱-۳ حل مسأله: اهل عمل و حاضر جواب بودن برای رسیدن به نتیجه.

۲-۳ تعهد: قابل اطمینان و اتکا بودن و صرف کردن تمام ذهن و انرژی برای کار

۳-۳ انعطاف: داشتن قابلیت انطباق و علاقه‌مندی به انجام فعالیت‌های کاری مختلف

۴- مهارت‌های تخصصی

۱-۴ مهارت فناوری اطلاعات: آشنایی با دانش فنی رایانه (تقریباً در هر شغلی به مهارت‌های پایه رایانه نیاز است)

۲-۴ مهارت‌های فنی: داشتن دانش شغلی و تجربی مثل ویرایش یا حسابداری.

۳-۴ درک کاری: دانستن این نکته که رمز موفقیت شرکت‌ها و سازمان‌ها در چیست؟

مهارت‌های مذکور را می‌توان به راحتی در دوران تحصیل کسب کرد. یکی از راه‌های کسب این مهارت‌ها یافتن شغلی پاره‌وقت در حین تحصیل است. به عنوان مثال داشتن یک شغل پاره‌وقت می‌تواند مزایای بسیاری برای

یک دانشجو داشته باشد و هر کاری می‌تواند دربرگیرنده تجربیات مفیدی باشد. کار کردن به عنوان صندوقدار یک فروشگاه می‌تواند باعث تقویت مهارتی گردد که کارفرمایان اصطلاحاً به آن مهارت <مشتتری مداری> می‌گویند. در نتیجه اگر دانشجویی این مهارت را دارد می‌تواند پس از فارغ‌التحصیلی و یافتن شغلی احتمالی در زمینه بازاریابی، به راحتی از روانشناسی مصرف‌کننده استفاده کند.

دانشجویان در زمینه تجربه کاری در حین تحصیل تا حد امکان باید سعی کنند تنوع شغلی خود را افزایش دهند و در طول هر سال تحصیلی و یا حتی ترم تحصیلی، شغل متفاوتی را تجربه نمایند. در هر حال دانشجویان باید به همان ضرب‌المثل قدیمی <کار عار نیست> توجه داشته باشند و بدانند که می‌توانند از این طریق به بیش از ده‌ها مهارت شخصی دست یابند. به طور مثال، داشتن کار نیمه‌وقت به عنوان دستیار کتابخانه یا دفتردار می‌تواند طیفی از مهارت‌های مفید را به آنها بیاموزد، زیرا مرتب کردن کتابها و گرفتن سفارش، مستلزم برقراری ارتباطی موثر و روشن است. در شغل‌های مشابه دیگر نیز دادن صورتحساب، تحویل گرفتن پول و بازپرداخت بقیه آن کمک می‌کند تا میزان آگاهی مالی دانشجو افزایش یابد. به علاوه جلب رضایت مشتری نیازمند مهارت‌هایی در مذاکره، مشتری مداری و حتی فروش است و تمرکز روی آن باعث بهبود چنین مهارت‌هایی می‌شود.

البته در صورت فراهم نبودن امکان تجربه شغلی پاره‌وقت، دانشجویان می‌توانند به فعالیتهای داوطلبانه یا عام‌المنفعه نیز روی بیاورند. این موضوع باعث می‌شود تا آنها به راحتی وارد عرصه‌های اجتماعی شوند و به اعتماد به نفس دست یابند. در ضمن در طول انجام فعالیت‌های داوطلبانه، دانشجو فرصت می‌یابد تا با افراد مختلف آشنا شود و از این طریق به <شبکه‌سازی> بپردازد. قطعاً داشتن یک شبکه ارتباطی گسترده می‌تواند

دانشجویان را پس از فارغ‌التحصیلی در یافتن شغل دلخواه یاری دهد.

یکی دیگر از راه‌های ساده کسب مهارت‌ها و ویژگی‌های مثبت شغلی، ملحق شدن به انجمن‌های مختلف و حضور فعالانه در آنهاست. این موضوع علاوه بر تقویت اعتماد به نفس، مهارت‌های رهبری، کار گروهی و برقراری ارتباط را به دانشجویان می‌آموزد، یعنی مهارت‌هایی که کارفرمایان به دنبال آنها هستند. در انجمن‌ها می‌توان علاوه بر ارتقای روابط اجتماعی، با افرادی آشنا شد که منابع مناسبی برای شبکه‌سازی محسوب می‌شوند. انجمن‌ها در ضمن می‌توانند با ارائه فرصت‌هایی برای بحث کردن و گفت‌وگوهای دسته‌جمعی، نگرش دانشجویان را نسبت به زندگی تغییر دهند یا تعدیل کنند.

دانشجویان می‌توانند در دوران دانشگاه با دو مهارت حیاتی شغلی آشنا شوند: مدیریت زمان و مدیریت مالی. در واقع آنان با برنامه‌ریزی روی دروس دانشگاهی خود و زمانبندی تکالیف و پروژه‌های خود، بدون آنکه خود متوجه باشند، در حال یادگیری مهارت مدیریت زمان هستند. دانشگاه در ضمن مکان خوبی برای بودجه‌بندی پول و برقرار کردن تعادل میان دخل و خرج است و همین مسأله مدیریت مالی را به دانشجویان می‌آموزد.

ممکن است بعضی از دانشجویان ادعا کنند که امتحان دادن در دانشگاه، مفید نیست و تنها باعث استرس آنها می‌شود. اما امتحان دادن به دانشجو کمک می‌کند تا اطلاعات را به نحو مناسبی در ذهن خود مرتب کند، به سرعت توضیح دهد و یا تحت فشار و استرس شدید، بهترین پاسخ را روی کاغذ بیاورد. اینها همان مهارت‌هایی هستند که هر کارفرما برای هر شغلی به دنبال آنهاست. شرکت‌ها افرادی را استخدام می‌کنند که بتوانند انتظارات مشتری و ارباب رجوع را برآورده سازند. به عبارتی دیگر، در

دانشگاه، امتحانات از دانشجو می‌خواهند که دانش خود را از نو بسته‌بندی کند تا نیازهای ممتحن برآورده شود. به طور مشابه، در اشتغال به جای نیازهای ممتحن، نیازهای مشتری یا کارفرما برآورده می‌شود. امتحان دادن در ضمن مهارت‌های مهمی همچون اولویت‌بندی را به دانشجو می‌آموزد زیرا برای امتحان دادن باید دروس را مرور کرد و این مسأله باعث تقویت اولویت‌بندی می‌شود.

دانشگاه در ضمن مکان ایده‌آلی برای شناسایی علایق و شغل ایده‌آل است و فرصت‌هایی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد تا از خود بپرسند: «چه مهارت‌هایی مرا شوق می‌آورد؟ چه موقعیتهای شغلی را بیشتر می‌پسندم؟ آیا با آدمها بهتر کار می‌کنم یا با ایده‌های ذهنی؟ در انجام یک کار گروهی با چه نوع افرادی راحت‌تر هستم؟ چه نوع سازمانی را ترجیح می‌دهم؟» با دستیابی به پاسخ مناسب به این سوالات، دانشجویان می‌توانند با درک شخصیت درونی خود، به سمت شناسایی شغل رویایی قدم بردارند و بدانند که شناخت خویشتن حتی از شناخت دروس دانشگاهی مهم‌تر است.

در دانشگاه به دانشجو امکان داده می‌شود تا رفتار و موفقیت‌های افراد پیرامون خود را مشاهده کند. آدمهایی که باعث تحسین دانشجو می‌شوند (مثل اساتید برتر یا دانشجویان ممتاز) می‌توانند به الگوی شغلی مناسبی برای او تبدیل شوند زیرا آنها دلیل عینی و ثابت‌کننده این موضوع هستند که او نیز می‌تواند به موقعیت و شغل مشابه آنها دست یابد. در نتیجه دوران دانشجویی فرصت خوبی برای انتخاب الگوی شغلی است. در ضمن با بررسی نحوه درس دادن اساتید مورد علاقه و یا با آنالیز سخنرانی‌های جذاب هم کلاسی‌ها می‌توان به نکات و تکنیک‌های خوبی درباره نحوه ارائه مهارت‌ها پی برد. ایسن تکنیک‌ها قطعاً می‌تواند در زمینه رزومه‌نویسی و مصاحبه شغلی به دانشجویان کمک کند.

نتیجه‌گیری

توسعه همه‌جانبه و متوازن کشور در گرو تشریک مساعی همه گروه‌ها، سازمان‌ها و آحاد جامعه است. توسعه کشور در شرایط فعلی به یک عزم ملی نیاز دارد. بیکاری و مسأله اشتغال در کشور ما به ویژه در سطح جوانان، پدیده‌ها و عوارض مختلفی را به جامعه تحمیل کرده و منشأ چالش‌های متعددی در سطوح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی شده است.

در حال حاضر در ساختار نظام آموزشی کشور چه در آموزش و پرورش و چه در آموزش عالی موضوع اشتغال و یا آموزش‌های اشتغال محور و کارآفرینی از جایگاه خوبی برخوردار نمی‌باشد. دانش‌آموختگان پس از اتمام تحصیلات وارد دنیای بازار کار می‌شوند و اغلب آنها بدون داشتن اطلاعات کافی از الزامات و نیازهای بازار کار در هاله‌ای از ابهام و ناامیدی قرار می‌گیرند. لذا ترویج و اشاعه مفاهیم و راهکارهای علمی استخدام، اشتغال و کارآفرینی در جامعه، به ویژه ارتقای دانش، بینش و مهارت‌های جوانان جویای کار و دانش‌آموختگان در این زمینه از مهم‌ترین و اساسی‌ترین تلاش‌ها در جهت رفع این معضل می‌باشد.

در حالی که فرصت‌های استخدامی، خوداشتغالی و کارآفرینی، گزینه‌های مهم اشتغال در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به شمار می‌روند. به طوری که امروزه آموزش‌های استخدامی، خوداشتغالی و کارآفرینی، بخشی از ساختار نظام آموزشی شده و دانشگاه‌ها، مراکز دولتی و موسسات آموزشی بخش خصوصی در امر این آموزش‌ها مشارکت چشمگیری دارند. این ضرورت در کشور ما بیش از پیش احساس می‌شود.

از یک سو هر سال تعدادی از جوانان این مرز و بوم بخصوص دانش‌آموختگان بعد از اتمام دوره تحصیلات دانشگاهی به دلیل پیدا نکردن شغل مناسب در داخل کشور، راهی

کشورهای بیگانه می‌شوند که با این کار علاوه بر از دست دادن هزینه‌های سرمایه‌گذاری شده برای تربیت این افراد، باعث می‌شود که تخصص و دانش این افراد با قیمتی ناچیز در اختیار بیگانگان قرار گیرد. عده‌ای از دانش‌آموختگان نیز به مشاغل روی می‌آورند که متناسب با مهارت و تخصص خودشان نبوده و این امر باعث می‌شود که آنان نسبت به کار سرخورده شوند و ادامه این روند ممکن است مشکلات اجتماعی و فرهنگی برای کشور در پی داشته باشد.

از سوی دیگر گسترش فرهنگ کارآفرینی، خوداشتغالی و ارتقای مهارت‌های شغلی و آماده‌سازی جوانان برای ورود آگاهانه به بازار کار تنها از عهده یک یا چند نهاد و موسسه بر نمی‌آید. بلکه به عزم ملی و تلاش همگانی نیاز دارد. اگر بخواهیم این موضوع در کشور نهادینه شود و در زوایای مختلف زندگی وارد شود، بایستی از تمام ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و زمینه‌های موجود استفاده شود و همه اجزای جامعه در این امر مهم سهیم شوند. لذا به کمک آموزش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت اشتغال و کارآفرینی برای جوانان به ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، فرصت‌گرانه‌هایی برای تربیت نیروهای مولد و کارآفرینی مهیا می‌گردد.

امروزه موفقیت در فرآیند توانمندسازی شغلی دانشجویان می‌تواند کلید بازگشایی در قفل شده اشتغال در بحبوحه تغییرات سریع و غیر قابل پیش‌بینی در ساختارهای اقتصاد و اشتغال باشد. بدون تردید دانشجویان انتظار دارند با فراگیری مهارت‌های لازم در طول تحصیل بتوانند پس از فارغ‌التحصیلی شانس خود را برای اشتغال در بازار کاری که روز به روز در حال رقابتی شدن است، افزایش دهند. از سوی دیگر دولت نیز به دنبال تقویت نیروی کار تحصیل کرده و با معلومات است تا سطح ملی رفاه اقتصادی ارتقاء یابد. تمام این موارد به روشنی ضرورت پرداختن به توانمندسازی شغلی را نشان می‌دهند.